

## روشنفکری دینی با چالش های جدی روبه روست

انجمن های اسلامی دانشجویی در گفت و گو با ابراهیم یزدی

۱۳۸۵/۶/۱۲، روز آنلاین

روز- باربد کاوه: به دنبال گشایش باب بحث درباره "هویت دینی انجمن های اسلامی دانشجویان" با دکتر ابراهیم یزدی، که خود از موسسین انجمن های اسلامی دانشجویی است، گفت و گو کرده ایم. رهبر نهضت آزادی معتقد است این "هویت دینی" باید تعریف شود.

**اینکه برخی ها اصرار می ورزند که انجمن های اسلامی دانشجویان باید هویتی دینی داشته باشند تا چه درست است؟**

انجمن های اسلامی دانشجویان خود معرفت هویت خود هستند و بر اساس اسمشان، معلوم است که هویتشان یک هویت دینی است. اما این هویت دینی باید تعریف شود. انجمن های اسلامی از بدو پیدایش در حدود ۶۰ سال پیش، به جریان روشنفکری دینی تعلق داشته است. این انجمن ها، چه به جهت سابقه و چه به جهت فعالیت، همیشه به طیف روشنفکری دینی تعلق داشته اند. اما پس از انقلاب و بخصوص بعد از سال ۶۰ مواضع انجمن های اسلامی - که عموماً به نام دفتر تحکیم وحدت شناخته می شوند- نشان دهنده آن است که آنها از آن مواضع تاریخی، که با دیدگاه های روشنفکران دینی تعریف می شد، یامقداری عدول کرده و یا تغییر گرایش پیدا کرده اند. به طوری که میان آنان و روشنفکران دینی فاصله افتاده است. به ویژه آنکه در یک دوره ای، دفتر تحکیم وحدت بنا به مناسبات و وضعیت هایی که پیش آمد، با حاکمیت رابطه تنگاتنگی پیدا کرد و استقلال عمل خود را به مقدار زیادی از دست داد. تا اینکه در سال های اخیر و بخصوص از سال ۷۶ به بعد، آرام آرام تغییراتی در انجمن های اسلامی دانشجویان پدید آمد؛ به این معنا که اعضای جدید که نمی توانستند با آن نگاه ها و نگرش های سنتی به کار ادامه بدهند، به جای اینکه موید حاکمیت باشند منتقد حاکمیت شدند. از این نظر امروزه سئوالاتی کلیدی مطرح شده است. در واقع سخن بر سر این نیست که انجمن های اسلامی به دنبال تغییر هویت دینی خودشان باشند و به عبارتی از دینی به عرفی تبدیل شوند، بلکه سخن بر سر این است که این هویت دینی باید مجدداً تعریف شود. در واقع انجمن های اسلامی دانشجویان دارند بار دیگر به مسیر اصلی خود، که از روشنفکری دینی سرچشمه گرفته، برمی گردند. اما مسئله اینجاست که در حال حاضر، خود روشنفکری دینی در ایران با چالش های جدیدی روبرو است. لذا طبیعی است که به تبع آن انجمن های اسلامی هم با سئوالاتی بسیار جدی پیرامون قرائت ویژه از دین روبرو باشند. به عبارت دیگر فقط این انجمن های اسلامی دانشجویان نیستند که باید به این چالش ها جواب بدهند، بلکه کل مجموعه جریان روشنفکری دینی، که طیف های مختلفی را هم در بر می گیرد، با این چالش ها روبه روست. می توان گفت در وضعیت موجود، انجمن های اسلامی دانشجویان نیز بخشی از کوشش و تلاش برای بازخوانی هویت دینی را انجام می دهند.

شما گفتید انجمن های اسلامی دانشجویان در یک برهه ای از موسسین اولیه خودشان که روشنفکران دینی بودند فاصله گرفتند و به سمت طیف دیگری رفتند که آن ها نیز مذهبی محسوب می شدند. باتوجه به این صحبت، و همچنین اینکه به هر حال تشکل های دانشجویی فرزندان زمانه خودشان هستند؛ می توان گفت با تغییر گرایشات فکری در جامعه سیاسی امروز ایران - همان طور که در سال های اولیه انقلاب اتفاق افتاد - انجمن های اسلامی نیز دچار تغییر و دگرگونی شده اند؟

تغییر و تحول نه به این معنا که زمانی هویت دینی داشتند حالا آن هویت تغییر یافته و یک هویت غیر دینی پیدا کرده باشند. ممکن است در میان دانشجویان و چهره های دانشگاهی که گرایشات دینی داشتند، امروزه تغییراتی به وجود آمده باشد، ولی انجمن های اسلامی چون یک هویت تاریخی هم دارند نمی توانند این هویت دینی خود را حذف کنند و البته کسی هم به دنبال حذف هویت دینی نیست؛ بلکه همانطور که گفتیم انجمن های اسلامی دانشجویان و نه برخی از دانشجویان مسلمان، با چالش های جدیدی روبرو شده اند که پیش روی تمام روشنفکران دینی قرار دارد؛ و پاسخگویی به این چالش ها به تلاشی همه جانبه نیاز دارد که همکاری همه گرایشات را می طلبد. نکته دیگری که انجمن های اسلامی را با مشکل مواجه کرده، این است که در اساسنامه انجمن ها - که بعد از انقلاب بازنویسی شد - نکته ای وجود دارد که اگر بخواهند آن را تغییر بدهند با مشکل مواجه می شوند: یعنی اعتقاد و التزام به ولایت مطلقه فقیه. البته یک زمانی فعالان دفتر تحکیم وحدت به آن چیزی که نوشته شده بود کاملاً اعتقاد داشتند، اما امروز جو غالب در میان روشنفکران دینی التزام به قانون اساسی است نه اعتقاد به ولایت فقیه. انجمن ها نیز برای اینکه ادامه دهند یا باید این مورد را درست کنند - که با مدیریت دانشگاه روبرو می شوند - یا نسبت به آن چیزی که بدان اعتقاد ندارند دورویی کنند و بگذارند چیزی در اساسنامه شان باشد که به آن اعتقادی ندارند. اینها مشکلاتی است که انجمن های اسلامی با آن روبرو است.

#### و برای حل آن مشکلات چه راه حل هایی وجود دارد؟

به نظر می رسد انجمن های اسلامی باید راهکارهای تازه ای اتخاذ کنند که مستقل از مدیریت و امکانات دانشگاه، بتوانند به حیات خود ادامه دهند. ۶۰ و اندی سال است که انجمن های اسلامی تشکیل شده. تا قبل از انقلاب، انجمن های اسلامی به هیچ وجه از امکانات دولتی استفاده نمی کردند. نه از دانشگاه بودجه می گرفتند و نه از سوی مدیریت دانشگاه حمایت می شدند. بعد از انقلاب است که متأسفانه انجمن های اسلامی و دفتر تحکیم وحدت استقلال خود را از دست دادند و تبدیل به نهادهای حامی دولت شدند و متناسب با آن امکانات و بودجه هایی از دولت گرفتند. ولی اکنون که تبدیل به یک منتقد حاکمیت شده اند و هیچ گونه امکاناتی هم به آن ها تعلق نمی گیرد، می توانند از امکانات بالقوه ای که وجود دارد، و انجمن های اسلامی سالیان سال با آنها مستقل از دولت عمل می کردند، به سمت و سوی استقلال مالی و اداری از دانشگاه و دولت بروند و راه خود را ادامه دهند.

به هر حال انجمن های اسلامی همانگونه که از نامشان پیدا است تشکل هایی مذهبی هستند. از طرفی هم نمی توان منکر این امر بود که بسیاری از فعالان سیاسی با گرایش سکولاریسم وارد انجمن های اسلامی شده اند. آیا این یک دوگانگی و مشکل محسوب می شود؟

به نظر من این بحث جای مناقشه دارد، زیرا تعریف جامعی در مورد سکولار بودن وجود ندارد. اگر یک عضو انجمن بگوید من معتقدم دین باید از دولت و یا نهاد دین از نهاد روحانیت جدا باشد، این شاید با تعاریف دیگری از سکولاریسم هماهنگی نداشته باشد. آنچه که مهم است این است که آیا اعضای اصلی انجمن های اسلامی دانشجویان، همچنان خود را مسلمان می دانند یا نه؛ و البته هیچ کس هم حق ندارد آنها را مورد بازخواست قرار بدهد که دین و اعتقاد شما چیست.

آیا نماز می خوانید یا نمی خوانید؟ این اسمش تفتیش عقاید است. از نظر مبانی شرعی هم اگر کسی گفت من مسلمان هستم کسی حق ندارد او را مورد سؤال قرار بدهد. ضمن اینکه انجمن های اسلامی هم به دنبال تشکیل دولت نیستند، حزب سیاسی هم نیستند که از آنها پرسیده شود لائیک هستید یا نیستید. لذا به نظر من مهم ترین مطلب این است که آیا اعضای این انجمن ها خود را مسلمان می دانند یا نمی دانند. اگر ندانند که طبیعی است که نمی توانند عضو انجمن های اسلامی باشند اما اگر خودشان بگویند مسلمان هستند دیگر کسی حق ندارد از آنها سؤال کند.

### **آیا حق فعالیت برای اعضای غیر دینی در انجمن های اسلامی دانشجویان را قائل هستید؟**

غیر دینی با ضد دینی فرق می کند. اما انجمن "اسلامی" دانشجویان نام خود را دارد و بنابراین کسی که باورهای دینی ندارد، از نظر اخلاقی نمی تواند به سازمانی که هویت دینی دارد وارد شود. در واقع به نظر من این کار نه به نفع کسی است که دین ندارد و می خواهد به انجمن بیاید و نه به نفع انجمن ها که می توانند کاری انجام دهند. این امر به دست حاکمیتی که نمی خواهد هیچ تشکل دانشجویی منتقدی داشته باشد بهانه می دهد و همین انجمن هایی را هم که وجود دارند می بندد. بنابراین این امر نه به نفع دانشجویان مسلمان است و نه به نفع دانشجویان عرفی.

### **اما محلی هم برای فعالیت سیاسی دانشجویان غیر دینی وجود ندارد جز همین انجمن های اسلامی. چاره کار آنان چیست؟**

این مشکلی است که برای بسیاری از گروه ها وجود دارد. مگر برای نهضت آزادی ایران فضا جهت فعالیت سیاسی مناسب است؟ در فضایی که دائما میزان فشارش بیشتر می شود راه حل این نیست که ما به چنین شیوه هایی متوسل شویم. راه حل این است که دانشجویانی که اعتقادات دیگری دارند به صورت مختلف دست به تشکیل انجمن بزنند. یکی از راهکارهای کمک به اینها هم می تواند این باشد که انجمن های اسلامی دانشجویان - در عین حالی که انجمن هایی دینی هستند - اعلام و عمل کنند که از حقوق شهروندی همه دانشجویان حمایت می کنند. یعنی انجمن های اسلامی باید حتی اگر با شیوه کار و تفکر آنها موافق هم نباشند ولی از حق آنها برای داشتن یک تشکل دانشجویی حمایت کنند. علاوه بر این چه نیازی است که در دانشگاه ها دائما بگویند ما را به رسمیت بشناسید. در طی ۱۰۰ سال گذشته و تا زمان انقلاب هیچ یک از تشکل های دانشجویی، مورد قبول حکومت نبودند اما کارشان را انجام می دادند؛ چون از دولت انتظاری هم نداشتند. به نظر من الان هم وضع همین گونه است. دانشجویان با هر فکر و نظری می توانند انجمن های خود را درست کنند و نیازی هم برای گرفتن مجوز ندارند.

### **تشکیل اتحادیه دانشجویان تا چه اندازه می تواند موثر باشد؟**

سازمان دانشجویان ویژگی های وسیع تری نسبت به انجمن های اسلامی دارد. این همان چیزی است که من سال ها قبل مطرح کردم که حال که انجمن های اسلامی دانشجویان این امکان را دارند بیایند پارلمان دانشجویی تشکیل دهند. من با این موافق هستم چون یک ضرورت است. باید در سطح دانشگاه ها پارلمان ها و اتحادیه های دانشجویی وجود داشته باشد که بدون داشتن یک فکر یا اندیشه ویژه، صرفا در خدمت نیازهای دانشجویان در دانشگاه ها قرار بگیرد.